

# اندیشه حاکمیت قانون در پرتو آموزه‌های سبک زندگی رضوی

مسعود خدیمی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۰/۲۵

سیاست متعالیه

• سال دوم

• شماره ششم

• پاییز ۹۳

اندیشه حاکمیت

قانون در پرتو

آموزه‌های سبک

زندگی رضوی

(۸۹ تا ۱۰۶)

## چکیده

از برجسته‌ترین اندیشه‌های مترقی در علم حقوق، حاکمیت قانون است. این اصل امروزه به قدری اهمیت یافته که دوام و قوام یک جامعه بدان وابسته است. در جهت تحکیم و نهادینه‌سازی این مفهوم در سبک زندگی باید از اندیشه اسلامی و پرچمداران اصلی آن یعنی ائمه اطهار(ع) بهره جست. این مقاله در صدد آن است تا با واکاوی محتوایی بینش امام رضا(ع) و با استفاده از روش تحلیلی کتابخانه‌ای، تصویر مناسبی را از الزامات و راهکارهای نهادینه‌سازی حاکمیت قانون و مرتبت آن مفهوم، در سبک زندگی پر برکتشان ترسیم نماید؛ در این راستا موضوع سه بخش تقسیم شده است: مبحث اول، قانون، تقنین و مقنی در اسلام و حاکمیت قانون از منظر امام رضا(ع)؛ مبحث دوم، اصول مساوات، آزادی و حقوق بشر و جایگاه این اصول در نظام بینشی رضوی(ع)؛ مبحث سوم، سه نوع راهکار معرفتی، رفتاری و عاطفی و مصادیق آنها در سبک زندگی حضرت رضا(ع)، و ارائه راهکارهایی جهت نهادینه‌سازی قانون.

## واژه‌های کلیدی:

امام رضا(ع)، حاکمیت قانون، آزادی، مساوات، قانون، سبک زندگی.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور استان مرکزی، واحد فراهان(فرمهبین). m\_khadimi@pnu.ac.ir

## مقدمه

یکی از مباحث مهم حقوق عمومی، حاکمیت قانون است. اصل حاکمیت قانون، سنگ بنای روابط میان حکومت و مردم خوانده می‌شود و نیز اقامه قسط و عدل، نیازمند قانون است که باید در قالب یک نظام حقوقی تعریف شود. سبک زندگی، بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن‌سازی اسلامی است که البته رعایت قانون، کانون سبک زندگی معطوف به توسعه‌یافتگی در قلمرو اسلام است. بهترین روش برای تحقق سبک زندگی اسلامی در جامعه، شناساندن زندگی پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) و الگوپذیری از سیره آن بزرگواران است. خداوند متعال از سیره و روش پیامبر اسلام به عنوان یک زندگی متعالی و الهی، با تعبیر «سوه حسنه» (احزاب، آیه ۲۱) یاد می‌کند. در این راستا، برای تبیین حاکمیت قانون در اسلام، سیره امام رضا (ع) می‌تواند یکی از الگوها باشد؛ در سیره و سخنان آن حضرت، هم مبانی و مفاهیم قانون‌مداری در اسلام را یافت و هم چگونگی پایبندی به آن را در مقام عمل، به خوبی مشاهده کرد. در این مقاله، ابتدا به مفهوم حاکمیت قانون و ضرورت پایداری و پدیداری آن اشاره می‌کنیم؛ سپس اصول و مبانی آن را از دیدگاه امام رضا (ع) بررسی کرده و سرانجام، نهادینه شدن قانونمندی را از منظر آن حضرت مرور خواهیم کرد.

### اهمیت و ضرورت حاکمیت قانون در بینش امام رضا (ع)

قانون‌گرایی به معنای ضابطه‌مند بودن رفتارهای انسانی در قالب هنجارهای تدوین شده و پذیرفته از نظر درصد بالای افراد جامعه و موجب پایداری و استواری جامعه است. قانون‌گرایی، پیامدها و آثار فراوانی برای جامعه دارد و تحقق بسیاری از اهداف اجتماعی، متضمن رعایت قانون است.

امام رضا (ع) در مورد جایگاه فرمان‌بری از اوامر و قوانین الهی، آن را نشانه رسیدن به عالی‌ترین مراتب بندگی خداوند می‌داند و در پاسخ به مردی که به ایشان عرض کرد: به خدا سوگند، در روی زمین از حیث نسب، کسی از شما برتر نیست، می‌فرماید: «تقوا به آنان برتری داد و فرمان‌برداری خدا، آنان را بدان پایه و مقام رسانید». (شیخ صدوق، ۱۴۲۵، ۲: ۲۲۶) از دیدگاه رضوی پس از وجود حاکم عادل، نوبت به اجرای قوانین عادلانه برای جامعه خواهد رسید؛ چراکه وجود قوانین عادلانه، یکی از شرایط اساسی تحقق عدالت در هر جامعه است و میان این دو نیز رابطه‌ای دوسویه وجود دارد؛ از این رو امام رضا (ع) می‌فرماید:

رعایت قوانین عادلانه از طرف حکومت و اجرای اصل مساوات برای مردم در زمینه سیاست نیز از ضروری‌ترین مسائل است و در چنین حکومتی، اختلاف طبقاتی و تبعیض میان افراد و ریختن مال به جیب دوستان وجود ندارد، بلکه همه در حقوق اجتماعی با هم برابرند، بدون اینکه امتیازی میان افراد وجود داشته باشد و یا بر کسی به خاطر مصلحت دیگری، ستم شود. (کلینی، ۱۳۸۱، ۶: ۲۹۴)

مسلمان باید در برابر قانون اسلامی فروتن باشد، هرچند اجرای آن در ظاهر به زیان او باشد که البته در واقع و با نگاه عمومی به جامعه، به سود او و همگان است. بنابراین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «حدی (قانونی) که در زمین جاری شود، مؤثرتر از شصت سال عبادت است». (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۹) آن حضرت در حدیث دیگری نیز فرمود: «اجرای حدی از حدود الهی، پربرکت‌تر از چهل روز بارش باران است». (کلینی، ۱۳۸۱، ۷: ۱۷۴) علامه طباطبایی هم ضرورت نظم و قانون در جامعه را بر اساس طبع استخدام‌گر انسان تبیین کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۱: ۱۵۵) همه نکوهش‌های قرآن کریم از انسان، ناظر به همین طبع سرکش و آثار زیان‌بار آن است. چنین انسانی اگر بتواند بر دیگران چیره گردد، به ستم حکم می‌راند و ادعای «انا ربکم الاعلی» (نازعات، آیه ۲۴) سر می‌دهد. قانون‌گرایی در واقع، رام کردن میل به استبداد، در انسان‌هاست.

### اصول و مبانی حاکمیت قانون در سبک زندگی امام رضا(ع)

حاکمیت قانون و پای‌بندی به آن از منظر امام رضا(ع)، بر اصولی پایه‌گذاری شده است که بر اساس آن، افراد می‌توانند از زندگی شایسته در جلوه‌های متفاوت برخوردار شوند و در آن، سعادت و کمال بشری همواره مدنظر است و در روابط فردی و اجتماعی، نظام حقوقی اسلام را بارور می‌سازد. این اصول که در سبک زندگی امام رضا(ع) به مثابه نقشه راه، تعیین‌کننده هستند، به عنوان منبع حقوق، درک‌پذیرند و به قواعد حقوقی، ارزش و محتوا می‌بخشند و به طور مستقیم یا غیرمستقیم ایجاد قاعده می‌کنند.

#### گفتار اول: مساوات و برابری

اصل مساوات و برابری یکی از مبانی حاکمیت قانون است. این اصل، مبنای زندگی مشترک اجتماعی در جوامع، شناخته می‌شود و بنابه فرموده خداوند در قرآن مجید، همه افراد انسانی دارای خلقت واحدند. (نساء، آیه ۱) بنابراین هرگونه امتیاز موهومی که زائیده برتری طلبی انسان‌ها نسبت به یکدیگر باشد، از نظر اسلام پذیرفته نیست.

بند اول: مساوات و برابری حقوقی (ماهوی): امام رضا(ع) می‌فرماید: «بدان که حق برادران واجب و فریضه است ... از خود و اموالتان برای آنان سرمایه‌گذاری کنید ... و در

هرچیز که مساوات و برابری در آن رواست، با آنان به برابری و مساوات رفتار کنید». (مجلسی، ۱۳۷۳، ۷۴: ۲۲۶) اصل مساوات حقوقی انسان‌ها از دیدگاه امام رضا(ع)، در وهله اول از نگاه توحیدی وی و سپس از این اصل سرچشمه می‌گیرد که همه انسان‌ها زاده یک پدر و مادر و همگی بنی آدم هستند.

از نظر امام(ع) تساوی حقوقی افراد، صرف‌نظر از هر نوع تبعیض، پذیرفته شده است. ولی با توجه به عبارت «فی کل ما یجوز» تنها دو استثنا بر آن مشاهده می‌شود که هر دو از واقعیت‌ها و اصل عدالت ناشی می‌شوند. اولین استثنا مربوط به حقوق ذاتی و اولیه و تغییرناپذیر انسان‌ها یعنی برخی تفاوت‌های حقوقی میان زن و مرد است که بنابر ویژگی خاص زنانگی و مردانگی انسان شکل می‌گیرد. به گونه‌ای که قائل شدن به تساوی حقوقی در این زمینه‌ها، هم ناشدنی و هم نامطلوب است.

دومین استثنا که از اصل عدالت اسلامی برمی‌خیزد، مربوط به حقوق اکتسابی، ثانویه و تحول‌پذیر انسان‌هاست که در این مورد، تساوی حقوقی مشروط، پذیرفته شده است؛ یعنی حقوق مساوی در شرایط مساوی، مثل مزد مساوی برای کار مساوی که تحقق آن تا حدی در اختیار انسان است. امام رضا(ع) سر فرود آوردن در برابر فرمان الهی را عامل اصلی سرفرازی می‌داند و این هم‌معنا با این سخن اوست که می‌فرماید: «به بندگی خداوند افتخار می‌کنم». (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲، ۴: ۳۶۲)

**بند دوم:** مساوات و برابری عموم در برابر قانون (شکلی): امام رضا(ع) در سند ولی‌عهدی خود، در مورد تساوی عموم در برابر قانون الهی چنین می‌فرماید: «اگر چیزی از پیش خود آوردم، یا در حکم خدا تغییر و دگرگونی در انداختم، شایسته این مقام نبوده و خود را مستحق کیفر ساخته‌ام». (شیخ صدوق، ۱۴۲۵، ۲: ۳۸۶) بیان این عبارت طلایی از زبان حضرت رضا(ع) برای مبارزه با این عقیده رایج بود که عالمان بی‌عمل، این گونه به مردم تفهیم کرده بودند که زمامداران از مجازات در امان‌اند؛ زیرا مقام و جایگاه آنان از قانون بالاتر است. امام(ع) با این فرمایش، یکسان بودن عموم مردم و نیز حاکم در مقابل قانون الهی را می‌آموزد و از نظر وی اصل عدالت‌بخش «مساوات» نباید در رفتارهای سیاسی، تحت‌الشعاع امور قرار گیرد و بدین وسیله، نابرابری‌ها گسترش یابد.

همچنین آن حضرت در مقام پاسخ به محمد بن عباده که از وی درباره نپذیرفتن خلافت از مأمون پرسیده بود، فرمود: «اگر امر حکومت به ما بازگشت کند و تو هم آن‌چنان باشی که اکنون هستی، در آن روز هم چیزی نصیب تو نخواهد شد و مانند یکی از دیگران خواهی بود». (فضل‌الله، ۱۳۸۵، ۷۱)

امام(ع) در پاسخی کوتاه بیان می‌دارد که در مقابل قانون الهی، هیچ کس را بر دیگری امتیاز و برتری نیست و رعایت قانون عدل از طرف حکومت و اجرای اصل مساوات میان مردم، امری ضروری است. همه انسان‌ها در برابر قانون، مساوی هستند و قانون باید درباره آنها بدون هیچ امتیاز و تبعیضی اجرا گردد و هرگونه سرپیچی از این اصل، به نقض عدالت می‌انجامد. پای‌بندی و تعهد به برابری در مقابل قانون، تضمین‌کننده برابری و عدالت و مهم‌ترین عامل دستیابی به آنهاست.

### گفتار دوم: آزادی

آزادی به عنوان یکی از اصول اولیه اسلام، ایده‌ای بنیادین و یکی از مبانی ارزشی و هنجاری حاکمیت قانون و برخاسته از سرشت آدمی است. برقراری حاکمیت قانون، تنها در صورتی ممکن است که آزادی به مثابه یکی از مبانی بنیادین حاکمیت قانون پذیرفته شود. یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحکیم قانون، برقراری نظم و انضباط در تعامل میان افراد و افراد با حکومت است. لازمه این قانون‌گرایی، توجه به آزادی افراد در حیطه قانون است تا عدالت محقق شود.

بند اول: آزادی فلسفی (تکوینی): از نظر فلسفی، انسان موجودی است که از نظر فطری آزاد آفریده شده و آزادی، جزو ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر طبیعت اوست. بدین اعتبار، هر فرد، مجموعه حقوق اساسی‌ای دارد که بنابر خصلت عالی طبیعی او شکل می‌گیرد. انسان در چهارچوب فعالیت‌های ارادی خویش، به طور طبیعی آزاد است. بر اساس این آزادی نیز دین‌داری معنا می‌یابد. اعمال ارادی انسان، صفت اخلاقی می‌گیرد و به خوب و بد آراسته می‌گردد. از این منظر، انسان اراده‌ای مستقل دارد و نیت‌ها و کارهای او همه برخاسته از اراده خود اوست. حضرت امام رضا(ع) در طول عمر گرانقدر خویش با عده‌ای که «جبرگرا» و «تفویضی» بودند، روبه‌رو شد. وی در مورد آنها می‌فرماید:

هر کس که گمان می‌کند افعال بشر را خدا انجام می‌دهد و سپس خدا ما را به خاطر این افعالی که خود انجام داده است، عذاب می‌کند، جبرگرا می‌باشد و معتقد بدان، کافر است و هر کس که گمان می‌کند خداوند خلقت و رزق بندگانش را به بشر واگذار کرده است، تفویضی می‌باشد و معتقد بدان، مشرک است. (شیخ صدوق، ۱۴۲۵، ۱: ۷۹)

امام رضا(ع) جبرگرایان یا همان کسانی که فعل بشر را به خدا نسبت می‌دهند و از نظر آنان انسان، اختیار و مسئولیتی ندارد و نیز آنان که قائل به دخالت نداشتن خدا در جهان هستند و تفویضی‌اند را در مقابل دیدگاه اصیل اسلامی درباره آزادی فلسفی انسان می‌دانند. با توجه به این روایات، این نوع از آزادی، جوهره انسانی است و انسان بدون اعتقاد به این

آزادی، با دیگر حیوانات چندان تفاوتی نخواهد داشت و مراعات کردن و مراعات نکردن قانون معنایی نخواهد داشت. با وجود این نوع از آزادی، انسان به کرامت‌های اکتسابی و مراتب والا دست می‌یابد و بدون آن، کرامت ذاتی و اکتسابی نیز برای انسان بی‌معناست.

**بنده دوم:** آزادی حقوقی (تشریحی): آزادی در این مفهوم، عبارت از حقی است که به موجب آن، افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را به کار اندازند، به شرط آنکه آسیب و زیانی به دیگران وارد نسازند. خداوند، انسان را موجودی شریف قرار داده و مزایایی نیز به او بخشیده که دیگر موجودات از آن بی‌بهره‌اند. یکی از این برتری‌ها، آزادی همراه با مسئولیت است که به موجب آن، می‌توانند سرنوشت خود را رقم زنند و نتیجه کار خوب و بد خویش را ببینند و بر اثر به کارگیری آن، در مراتب انسانی پیش روند.

امام رضا(ع) ضمن پذیرش اولیه این موهبت الهی در حق مردم، آن را در گرو رعایت قوانین می‌داند. در غیر این صورت منجر به بروز فساد از افراد بیشتری خواهد شد. آن حضرت می‌فرماید: «زمانی که مردم به کارهای ممنوع دست زدند و هرکس هرچه دلش خواست انجام داد، بدون آنکه کسی نظارت کند، مردم همگی به فساد و تباهی دچار می‌شوند». (همان، ۲: ۹۹)

در کلام امام رضا(ع) آزادی همواره مسئولیت‌آفرین است که بر اساس آن، سرنوشت نیک و بد انسان‌ها رقم می‌خورد و حقوق و آزادی انسان‌ها به رعایت حقوق و آزادی انسان‌های دیگر محدود می‌شود و آزادی بدون مراقبت و نظارت، ممنوع خوانده شده است. از نظر وی اصل کرامت انسان نیز آزادی هر فرد را محدود می‌کند. بنابراین اگر وجود نوعی از آزادی برای فرد، موجب از بین رفتن کرامت او گردد، این آزادی، مشروع نیست تا چه رسد به آنکه موجب کاهش کرامت دیگر افراد شود.

### گفتار سوم: حقوق بشر

دیگر مبنای حاکمیت قانون، مقوله حقوق بشر است. مجموعه امتیازهای متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قوانین را که افراد، به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و حکومت، با ضمانت‌های اجرایی لازم از آن برخوردار هستند، حقوق بشر می‌نامند.

انسان به عنوان آفریده خداوند از یک‌سو، دارای کرامت ذاتی است و از سوی دیگر با به کار انداختن استعدادهای خود در فراز و نشیب رفتاری، می‌تواند به مراتب کرامت دست یابد. ابراهیم بن عباس صولی نقل می‌کند که امام رضا(ع) در مورد سوگند و کفاره آن که آزاد کردن بنده‌ای باشد، سخن می‌گفت در پایان می‌فرمود: «سوگند می‌خورم به قرابتی که

با پیامبر خدا(ص) دارم، اگر کسی گمان کند که من بهتر از او هستم - اشاره به یکی از غلامان سیاه - درست نیست، مگر که من عمل شایسته داشته باشم تا که بهتر از او باشم».

(شیخ صدوق، ۱۴۲۵، ۲: ۲۳۷)

#### سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره ششم
- پاییز ۹۳

اندیشه حاکمیت  
قانون در پرتو  
آموزه‌های سبک  
زندگی رضوی  
(۸۹ تا ۱۰۶)

اثر و نتیجه «خدا محوری» در تفکر امام رضا(ع) و «انسان محوری» در فرهنگ رایج غرب برای حقوق بشر، این است که حقوق بشر دریافت شده از اسلام، آن حقوق را در چهارچوب اراده فرمان الهی می‌بیند و ناگزیر نمی‌تواند از همه اعتبارها و حیثیت‌ها صرف نظر کند. وقتی از حقوق بشر در اسلام صحبت می‌شود، نمی‌تواند حقوق بشر مطلق باشد، بلکه بشری است که در ارتباط با خدا قرار گرفته؛ در حالی که حقوق بشر، تسلیم هیچ محدودیتی نمی‌شود تا بتواند اطلاق خود را حفظ کند.

حقوق بشر از آن جهت مبنای حاکمیت قانون قرار می‌گیرد که یکی از پیش فرض‌های اصلی حاکمیت قانون، برخوردار بودن انسان از حقوقی با ماهیت بیشتر اخلاقی است. نقش حکومت نیز در این میان تنها شناسایی حقوق موجود و تضمین حقوق شهروندان از طریق طراحی راه کاری مطمئن و با ثبات است و از این رو حاکمیت قانون، یکی از ضمانت‌های مراعات حقوق بشر است. دیگر نقطه پیوند این دو مفهوم، آن است که باید در محدودیت حقوق و آزادی‌های شهروندان، قانون را مبنای قرار داد تا مبادا تصمیم‌های خودسرانه و سلیقه حکام، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان را پایمال کند.

#### راهکارهای نهادینه‌سازی حاکمیت قانون در سبک زندگی امام رضا(ع)

نهادینه کردن رفتار انسانی، در حقیقت جریانی است که انسان را از آغاز تولد در برمی‌گیرد و نیروهای او را در مسیر مجاز به کار می‌اندازد و هنجارهای اجتماعی او را شکل می‌دهد: «نهادینه شدن یک امر اجتماعی، یعنی پایدار و ریشه‌ای شدن آن در متن و عمق جامعه و مقبول، تأیید و به رسمیت شناخته شدن آن ارزش‌ها و مقررات توسط افراد جامعه». (گلابی، ۱۳۷۶: ۹۹)

بر اساس این تعریف، نهادینه‌سازی حاکمیت قانون در جامعه، به معنای اجرای جریانی است که طی آن بتوان قواعد و مقررات حقوقی و قانونی را به صورت منظم و بادوام در جامعه گسترش داد، چنان‌که در متن و عمق جامعه تأیید شوند و افراد جامعه، ارزش‌ها و مقررات مربوط به آن را به رسمیت بشناسند.

#### گفتار اول: راهکارها و روش‌های معرفتی (شناختی)

شناخت را به طور حقیقی نمی‌توان تعریف کرد؛ زیرا ما هر چیز دیگر را با شناخت تعریف می‌کنیم. اگر شناخت را نیز با شناخت تعریف کنیم، از بعد منطقی، دور لازم پیش

می‌آید، اما به یک تعبیر می‌توان گفت شناخت، عبارت است از طریق کشف حقیقت. ابزار شناخت نیز بر اساس آیات قرآن، سمع، بصر و قلب است. «ان السمع و البصر و الفؤاد کل أولئک کان عنه مسؤولاً». (اسراء، آیه ۳۶)

بدین ترتیب موارد متعددی از زیرپاگذاردن قانون، از نداشتن شناخت به آن ناشی می‌شود. ثبات و استمرار حاکمیت قانون در جامعه، نیازمند معرفت و شناخت درباره راهکارها و روش‌هایی است که از یک‌طرف با نیازهای فردی و اجتماعی انسان‌ها در تضاد و تعارض نباشد و از سوی دیگر با اعمال آنها بتوان سلامت فرد و جامعه را تضمین کرد.

**بند اول: تقویت ایمان و مراقبت از نفس:** شخصیت، تأثیر مستقیمی بر روی رفتارهای آدمی با دیگر افراد جامعه دارد؛ از این رو شناخت عوامل و مؤلفه‌هایی چون ایمان و مراقبت از نفس، موجب رشد و شکوفایی توانمندی‌های شخصیت انسانی در روابط اجتماعی می‌شود. تقویت ایمان به پروردگار و تقوای الهی، اولین بایسته در جهت خودسازی و رشد بهینه فرهنگ قانونمندی در جامعه خواهد بود؛ زیرا با فرض داشتن ایمان، گریز از قوانین الهی و عرفی، دور از ذهن خواهد بود و این عاملی برای خود محدودیتی افراد است که به نظر می‌رسد، مؤثرتر از دیگر ضمانت اجراهای حقوقی باشد. برای رسیدن به این مطلوب، تمسک به قرآن کریم و اطاعت از معصومان(ع) نقش تعیین‌کننده و ارشادی عمیق دارد.

توحید، محور هستی و آموزه‌های قرآنی است. براساس این راهنمایی، انسان باید در سایه ولایت الهی، از مجموعه‌ای به نام دین اسلام پیروی و اطاعت کند تا او را به سرمنزل بندگی برساند. نمی‌توان سخن از ایمان و پذیرش توحید داشت، درحالی که هیچ ولایت و اطاعتی نداشته باشد. اگر تجلی توحید، در ولایت و اطاعت است، باید دانست که پذیرش ولایت و اطاعت قوانین الهی نیز عین پذیرش توحید است؛ از این رو در آیات قرآنی، اطاعت از پیامبر(ص) عین اطاعت از خداوند (آل عمران، آیه ۲۳) و اطاعت از اولوالامر و ائمه(ع) عین اطاعت خدا و پیامبر دانسته شده است. (نساء، آیه ۹۵)

به عقیده حضرت رضا(ع) نیز اولین عاملی که در فرهنگ قانون‌مداری به عنوان زمینه، در خودسازی و رشد شخصیت تأثیر دارد، مبارزه با نفس و رعایت تقواست؛ زیرا تا وقتی صفات پسندیده در دل و روح آدمی ریشه ندوانیده باشد، توقع رفتار و گفتاری نیکو در جهت رعایت قانون نیز نابخاست. امام رضا(ع) درباره این مسئله می‌فرماید: «بالاترین جهاد آدمی، جهاد با نفس خود است». (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۴۴)

ارزش خودسازی و تقویت ایمان در قانون‌مندی تا آنجاست که امام رضا(ع)، فرد بی‌توجه به نفس را فرومایه می‌داند و می‌فرماید: «کسی که به لحاظ چیرگی بر هوای نفس، به امور دنیوی سرگرم شود و در روابط با خلق خدا کوتاهی ورزد، فرومایه است». (مجلسی،

۱۳۷۳، ۷۸: ۳۳۵) آن حضرت در ادامه هشدار می‌دهد: «...از پیروی هوای نفس بر حذر باش که سبب سقوط و هلاکت است» و اینکه: «من حاسب نفسه ربح و من غفل عنها خسر؛ هر کس از نفس خویش حساب کشد، سود می‌برد و هر که غفلت ورزد، زیان می‌بیند». (همان، ۷۵: ۴۵۰)

مصادق عملی فرمایش حضرت رضا(ع) درباره مراقبت از نفس را در کلام وی خطاب به احمد بن ابونصر بزنطی، یکی از شاگردان و اصحاب وی می‌توان یافت. ابونصر بزنطی می‌گوید: شبی مهمان حضرت(ع) بودم. او بستر خودش را برایم گستراند. در این هنگام به دلیل این موضوع بر خویش بالیدم. امام رضا(ع) مرا گفت که ای احمد! امیرمؤمنان از صعصعه بن صوحان عیادت کرد و به وی فرمود: «... به اینکه تو را عیادت کردم، بر دیگران مباحات مکن و مواظب نفس خویش باش». (همان، ۴۹: ۳۶)

**بند دوم: اعتقاد به نظارت همیشگی پروردگار:** باورمندی به نظارت همیشگی پروردگار و احساس حضور او، تحول عمیقی در روح و جان انسان و بالطبع، گفتار و کردار او ایجاد می‌کند و وی را وادار می‌سازد تا مراقب رعایت قوانین و ضوابط الهی و حقوقی باشد؛ از این رو امام رضا(ع) برای سامان‌دهی رفتار و گفتار انسان‌ها، آگاهی و نظارت الهی را همواره یادآوری کرده است. آن حضرت با تمثیل زیبایی از قرآن کریم می‌فرماید: «هیچ گفت‌وگویی محرمانه‌ای میان سه تن نیست، مگر اینکه او چهارمین آنهاست و نه میان پنج تن، مگر اینکه او ششمین آنهاست و نه کمتر از این (عدد) و نه بیشتر، مگر اینکه هر کجا باشند، او با آنهاست. آن‌گاه روز قیامت، آنان را به آنچه کرده‌اند، آگاه خواهد گردانید». (مجادله، آیه ۷)

آن بزرگوار در ادامه نیز بیان می‌دارد: خداوند بر هر انسانی، فرشتگانی را مأمور ساخته تا سخنان وی را ثبت کنند: «ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید؛ (آدمی) هیچ سخنی را به لفظ در نمی‌آورد، مگر اینکه مراقبی آماده، نزد او (آن را ضبط می‌کند)». (انفطار، آیه ۱۲-۱۰) افزون بر این، سخنان آدمی در قیامت، حسابرسی دقیق می‌شود؛ آن‌سان که گاه سخنی به ظاهر کوتاه، خشنودی خداوند یا خشم او را بر می‌انگیزد. (حر عاملی، ۱۳۹۷، ۱۲: ۲۵۱)

در سبک زندگی رضوی(ع) برای مراعات قانون در روابط اجتماعی، مردم باید معتقد و پای‌بند به اصول و قواعد یاد شده باشند تا شالوده تعامل‌ها بر اساس شایستگی‌های رفتاری طرح‌ریزی شود. آشکار است که ایمان و باور به این آموزه‌ها می‌تواند سدی محکم در برابر نقض قانون ایجاد کند و انگیزه و بستر مناسبی جهت حاکمیت قانون در اجتماع را فراهم آورد.

**بند سوم: ایجاد بینش به قانون‌مداری از طریق تبیین اصول و قواعد:** بینش، به آگاهی عمیق و گسترده فکری - عقلی اطلاق می‌شود که آدمی را با واقعیت‌ها آشنا می‌کند و موجب می‌شود آدمی در زندگی خود، راه صواب را بی‌ماید. روش اعطای بینش، یکی از روش‌های امام رضا(ع) است که در راه رسیدن به قانون‌گرایی مردم در زندگی، از آن بهره می‌گرفت. انسان‌ها وقتی درباره مسئله‌ای شناخت کافی داشته باشند و ریشه‌ها و زیربنای آن را به خوبی بشناسند، با اشتیاق بیشتری آن را می‌پذیرند. به خصوص هرگاه که آن مسئله جنبه پیروی از قوانین و مقررات الهی را داشته باشد. در سبک زندگی رضوی، جایگاه تعقل و دانش که بنیاد بینش و بصیرت را شکل می‌دهد، بی‌مانند است. از منظر وی، هرچه گستره اندیشه و علم در جامعه افزایش یابد و سرانجام به قانون و هنجار اجتماعی تبدیل شود، رشد جامعه سریع‌تر و به قوانین الهی نزدیک‌تر می‌شود.

امام رضا(ع) با به کارگیری نوعی سازوکار شناختی، به بیان اولین پایه‌های معرفتی می‌پردازد و به ما می‌آموزد که این روش، هر چند سرعت کمتری در نهادینه ساختن قانون‌گرایی در جامعه دارد، از ماندگاری و پایداری بیشتری برخوردار و بر دیگر روش‌ها مقدم است. ایشان می‌فرماید: «دانش و علوم و سخنان ارزشمند ما را فرا بگیرید و سپس به دیگران آموزش دهید؛ زیرا وقتی مردم گفتار ارزشمند ما را بدانند و از کار، برنامه، سیره و منش نیک ما آگاه شوند، از سنت و سیره ما پیروی می‌کنند». (شیخ صدوق، ۱۴۲۵: ۱، ۲۵۶)

آگاهی از این امر که قوانین الهی با نیازهای فطری انسان هماهنگی و سازگاری دارد، یکی از مهم‌ترین اصول در عمل به احکام الهی است و موجب می‌شود زودتر در مقابل آنها سر تسلیم فرود آورد. بی‌جهت نیست که امام رضا(ع) در گفت‌وگو با اباصت هروی، احیاکنندگان مکتبشان را شایسته رحمت الهی دانست و فرمود: «رحمت خدا بر آن کس که امر ما را زنده بدارد، یعنی علوم و معارف ما را فراگیرد و به مردم بیاموزد. اگر مردم محاسن کلام ما را بدانند، حتماً از ما پیروی می‌کنند». (مجلسی، ۱۳۷۳: ۲، ۳۰؛ شیخ صدوق، ۱۴۲۵: ۱، ۲۴۰)

محاسن و زیبایی‌های کلام ائمه(ع) همانا مبانی و اصول اندیشه و روش امامان و پاسخ‌گویی به مسائل روز جامعه بر آن اساس است.

**بند چهارم: انذار از پیامدهای قانون‌گریزی:** امام رضا(ع) پس از آگاهی‌بخشی و تبیین اصول حاکمیت قانون، مردم را از پیامدهای قانون‌گریزی و زیر پا گذاشتن قوانین الهی می‌ترساند و باز هم به منظور معرفت‌بخشی به جامعه، نتایج و آثار این پدیده شوم را بیان می‌دارد. آن حضرت در راستای تبیین حاکمیت قانون و ایجاد شناخت به آن در جامعه، اعمال انسان‌ها را مقید به قیودی می‌داند که در غیر این صورت، منجر به توالی فاسد فراوانی خواهد شد: «زمانی که مردم به کارهای ممنوع دست زدند و هر کس هرچه دلش خواست

انجام داد، بدون آنکه کسی نظارت کند، مردم همگی به فساد و تباهی دچار می‌شوند». (شیخ صدوق، ۱۴۲۵، ۲: ۹۹)

در حکمت رضوی گمراهی، یکی از نتایج قطعی و محتوم دیگری است که انتظار فردی را می‌کشد که کلام‌الله مجید را به عنوان قانون اساسی جامعه اسلامی، تمکین نمی‌کنند و برای یافتن طریق سعادت، راه‌های دیگری را برمی‌گزینند، غافل از اینکه بنا به سنت الهی در گمراهی و تاریکی وحشتناکی فرو می‌روند؛ از این رو امام رضا(ع) فرمود: «قرآن، کلام و سخن خداست؛ از آن مگذرید و هدایت را در غیر آن مجوید که گمراه می‌شوید». (عطار، ۱۳۹۲، ۱: ۳۰۵)

از سوی دیگر وقتی قانون و حکومت مبتنی بر قانون وجود داشته باشد، نهایی‌ترین تأمین‌کننده عدالت، عمل به قانون خواهد بود. عمل به قانون، عاملی برای از بین رفتن اختلاف‌ها و ایجاد برابری است و با عمل به قانون، کارویژه آن که ایجاد نظم عادلانه است، محقق خواهد شد.

#### گفتار دوم: راهکارها و روش‌های رفتاری

انسان در روابط اجتماعی باید انسانی بودن خود را نشان دهد و رفتاری انسانی با همگان داشته باشد؛ یعنی میزان و شاخصه رفتاری و راه و روش زندگی اجتماعی وی، باید انسانی بودن او باشد، نه چگونگی رفتار دیگران. بنابراین نباید رفتار نیک خویش را به علت بدرفتاری و ناهنجاری دیگران از آنان دریغ کرد. چه بسا که رفتار انسان با این دسته از افراد، آنها را بیدار و به اشتباه خود آگاه کند و این می‌تواند آموزنده و گسترش‌دهنده اصول انسانی باشد.

انسان وقتی از مؤمنان نیکی دید، به آنان می‌گراید و راه و روش آنها را سرمشق زندگی خود قرار می‌دهد. امام رضا(ع) قصد دارد با استفاده از روش‌های رفتاری، ضمن تغییر و اصلاح رفتارهای هنجارشکن و قانون‌شکنانه، رفتارهای مطلوب را در آنها ایجاد و تثبیت کند. هدف اصلی این راهکارها، ایجاد تغییر در عملکرد شخص به جهت پیشگیری و درمان بیماری‌گریز از قانون است.

بند اول: امر به معروف و نهی از منکر: جامعه سالم و به دور از آنچه وجدان پاک را جریحه‌دار سازد، آرزوی همگان است. تاریخ ادیان، نشان‌دهنده واکنش‌های متفاوت پیامبران الهی و ائمه(ع) در برابر انحراف قانون‌گریزی بوده است. گستردگی این مفسده در برخی جوامع، گاه تا حدی است که بدون پای‌بندی و مشارکت همگان، مقابله کامل با آن ناممکن می‌شود. در مجموعه آموزه‌های اسلامی «جامعه نمونه» بنابر آیه «و کذالک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهدا علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیدا»، (بقره، آیه ۱۴۳)

#### سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره ششم
- پاییز ۹۳

اندیشه حاکمیت  
قانون در پرتو  
آموزه‌های سبک  
زندگی رضوی  
(۸۹ تا ۱۰۶)

کمال مطلوبی است که مردم، با انجام دادن کارهای نیک و پرهیز از کارهای بد، که در واقع همان پایبندی به قانون اسلام است، قادر به بنیان‌گذاری آن هستند.

یکی از راهکارهای پدیداری و پایداری قانون‌مندی، به کارگیری شیوه نظارت متقابل همگانی است که در دین مبین اسلام با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» از آن یاد می‌شود. محمد بن عرفه می‌گوید از امام رضا(ع) شنیدم که فرمود: «پیامبر خدا(ص) می‌فرمود: اگر امت من در امر به معروف و نهی از منکر به همدیگر اعتماد کنند و یکدیگر را در اصلاح امور جامعه وکیل و مسئول بدانند، خداوند تعالی ثبات و آرامش را به آنان خواهد بخشید». (شیخ کلینی، ۱۳۸۱، ۵: ۵۹)

حکمت نهفته امر به معروف و نهی از منکر را در مدنی‌الطبع بودن افراد باید دانست؛ زیرا انسان‌ها از نظر سلوک و رفتار و اخلاق و عقاید، اثر متقابل بر روی یکدیگر دارند و انحراف‌های فردی، زیان‌های اجتماعی را به دنبال می‌آورد. بنابراین حفظ و پاسداری جامعه، در مقابل هرگونه فساد و تباهی، ضرورتی گریزناپذیر دارد و واجب شرعی است. امام رضا(ع) در روایتی این حقیقت را به برادرش زید چنین گوشزد فرمود: «ای زید! از خدا بترس که آنچه ما بدان رسیده‌ایم، به وسیله همین تقوا بوده و هر که تقوا نداشته باشد و خدا را مراقب خود نداند، از ما نیست و ما از او نیستیم». (شیخ صدوق، ۱۴۲۵، ۲: ۵۷۳)

بدین ترتیب آن حضرت همواره بر فرمان‌برداری و پیروی از فرمان‌ها و قوانین الهی تأکید می‌فرمود. محور وجود آن بزرگوار را خدای متعال و فرمان‌برداری و رعایت قوانین الهی تشکیل می‌داد و معیار همه دوستی‌ها و دشمنی‌های وی، خدا و پیروی از مقررات خداگونه بود. همان‌گونه که پایه‌گذاری جامعه متعادل، با همت و پشتکار همگان میسر است، پاسداری و نگهداری آن در مقابل آفت و مفاسدی همچون سرپیچی از قانون الهی نیز امری همگانی خوانده می‌شود.

**بند دوم: روش الگومداری:** روش و راهکار الگویی، روشی است بیرونی که بر اساس تربیت‌پذیری و الگوگیری، بر رفتار انسان اثر می‌گذارد و او را جذب می‌کند. امام رضا(ع) در میان مردم می‌زیست و با رفتار و عمل خویش به مردم درس قانون‌مداری می‌آموخت. در حقیقت آن حضرت نمونه بارز اسوه حسنه برای دیگران بود. در این روش، امام(ع) می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مبتنی بر قانون‌گرایی را به شکل عملی در معرض دید همگان قرار دهد و بدین‌گونه، موقعیت اجتماعی آنها را دگرگون سازد تا جذب این رفتار شوند و مطابق با آن عمل کنند. محور بودن مسئولیت در امامت، اسوه و الگو بودن امام(ع) را ایجاب می‌کند و امام(ع) پیش از اینکه از دیگران مسئولیتی را بطلبد، خود پیشاپیش به آن عمل می‌کند.

امام رضا(ع) مطیع‌ترین مردم در مقابل ولیّ امر خویش، امام موسی کاظم(ع) بود و به همین جهت و بر اساس توانایی‌ها و ویژگی‌هایی که داشت، خداوند متعال، وی را پس از آن امام همام، حجت خویش بر مردمان قرار داد. امام موسی کاظم(ع) در این خصوص می‌فرماید: «علی پسر، بزرگ‌ترین فرزندانم و سخن‌شنوترین و فرمان‌بردارترین آنهاست». (مجلسی، ۱۳۷۳، ۲: ۱۴۵)

قانون‌مداری در جامعه، تنها با آموزش‌ها و امر و نهی محقق نمی‌شود، بلکه باید به یک حقیقت عینی و ملموس تبدیل و در وجود یک رهبر الهی و انسان پاک متجلی شود، که تجلی و آئینه تمام‌نمای این نمونه، در سبک زندگی رضوی مشهود است.

**بند سوم: موضع‌گیری در مقابل بستگان ناقض قانون:** حضرت رضا(ع) اگر در یکی از بستگان خویش، خلاف قانون و انحرافی را در مسائل اخلاقی، سیاسی یا اعتقادی می‌دید، موضع می‌گرفت و از او انتقاد می‌کرد و رابطه خویشاوندی، موجب نمی‌شد آن حضرت، از هشدار و موضع‌گیری در برابر او خودداری کند. این روش، هر که را درصدد بهانه‌جویی و فرار از قانون بود، با بن‌بست شدید روبه‌رو می‌کرد. بستگان آن حضرت هرگز نمی‌توانستند از خویشاوندی با او سودجویی کنند، چون حضرت این اجازه و مجال را به آنان نمی‌داد. حتی بعضی را طرد می‌کرد تا امر بر مردم مشتبه نشود و به او بدبین نگردند و خلاف‌های آنان را به حساب امام(ع) نگذارند و با این روش، اهتمام و استواری خویش را در اجرای صریح قانون به همگان اعلام می‌داشت.

یاسرخادم می‌گوید: زید، برادر امام رضا(ع) در مدینه خروج کرد و دست به کشتار و آتش‌سوزی (در خانه‌های بنی‌عباس) زد. مأمون گفت: او را پیش امام رضا(ع) ببرید. چون او را نزد آن حضرت آوردند، حضرت به او فرمود: ای زید! آیا سخن سفلگان کوفه مغرور کرده است که گفته‌اند: فاطمه(س) چون عفاف ورزید، خداوند ذریه او را بر آتش حرام کرد؟ این سخن فقط درباره حسن و حسین(ع) است. اگر خیال می‌کنی که گناه کنی و وارد بهشت شوی و موسی بن جعفر(ع) هم که اطاعت خدا را کرده وارد بهشت شود، پس با این حساب، تو نزد خدا گرامی‌تر از موسی بن جعفر(ع) هستی؟! به خدا سوگند، هیچ‌کس به پاداش خدا نمی‌رسد، مگر با طاعت او. حضرت فرمود: تو تا وقتی برادر منی که خدای متعال را اطاعت کنی. (مجلسی، ۱۳۷۳، ۴۹: ۲۱۶ - ۲۲۱)

در این روایت می‌بینیم امام رضا(ع) با برادرش که مرتکب خلاف شده، این‌گونه تند برخورد می‌کند تا هم موضع خود را روشن کرده باشد، هم خطای برادر را گوشزد و هم ملاک‌ها را بیان کند.

**بند چهارم: بازرسی و نظارت بر روند حاکمیت قانون:** اصل نظارت، لازمه هر جامعه است و هر کجا اجتماعی از انسان‌ها گرد آمده‌اند تا زندگی خویش را سامان دهند، نیاز به مدیری ناظر و تیزبین در رأس برنامه‌های آنان قرار گرفته است. وقتی از امام رضا(ع) درباره حکومت و حاکمیت می‌پرسند، حضرت بر مبنای لزوم رعایت نظم و پرهیز از هرج و مرج و فساد و ضرورت سنت الهی و قوانین شریعت، می‌فرماید:

برای آن است که مردم بر طریقه معینی نگه داشته شوند و از حدود و قوانین مقرر درنگذرند؛ زیرا با این تجاوز و تخطی دچار فساد خواهند شد. این امر به تحقق نمی‌پیوندد و مردم بر طریقه معین نمی‌مانند و قوانین الهی را برپا نمی‌دارند، مگر در صورتی که فرد قدرتمند و توانا و امین و حافظی برایشان گماشته شود که عهده‌دار این امر باشد و نگذارد پا از دایره حقتشان بیرون نهند و به حقوق دیگران تعدی کنند.

سلیمان جعفری می‌گوید: من با امام رضا(ع) وارد منزلشان شدم و کارگری سیاه چهره با غلامان امام کار می‌کرد. امام فرمود: «این کیست؟» گفتند: کارگری است که آورده‌ایم تا به ما کمک کند. امام فرمود: «آیا مزد او را مشخص کرده‌اید؟» گفتند: نه، ما هر چه به او بدهیم، راضی است. حضرت ناراحت شد. من علت ناراحتی وی را پرسیدم، فرمود: «من چندین بار آنها را از این کار منع کرده‌ام که به هیچ کس کاری ندهید، مگر اجرت او را تعیین کنید. اگر کارگری بدون تعیین اجرت برای تو کار کند، حتی اگر سه برابر اجرتش را هم به او بدهی، باز گمان می‌کند به او کم پرداخته‌ای و اگر مزد او را تعیین کردی، اگر همان مقدار هم بدهی، تو را هم سپاسگزار است و اگر مبلغ اندکی اضافه کنی، به حساب می‌آورد و می‌فهمد که به او زیاده هم داده‌ای.» (شیخ صدوق، ۱۴۲۵، ۲: ۱۲۴/مجلسی، ۱۳۷۳، ۴۹: ۲۸۶)

بازرسی و نظارت امام(ع) بر روند به کار گماشتن این کارگر در منزلشان، درس بزرگی برای تأکید بر قانون‌مداری در عرصه قانون و قرارداد کار است. معین بودن میزان مزد کارگران در قراردادهای کار، یکی از اصول اساسی قرارداد کار است و از عوامل اختلاف میان کارگران و کارفرمایان و بسیاری از درگیری‌هایی که منجر به شکایت در محاکم می‌شود، ابهام در تدوین قرارداد کار است.

براساس این عملکرد نظارتی، امام رضا(ع) تأکید می‌کند که قراردادها باید شفاف و روشن، تدوین و بسته شوند تا از اختلاف‌های آینده جلوگیری به عمل آید. خداوند در نظام تشریح، سرپرستان و مدیران شایسته و امینی را قرار داده است تا مفسد اجتماعی را از جامعه دور سازند و حدود احکام الهی را برپا دارند؛ رهبری که مایه پایداری جامعه است و

در پرتو او می‌توانند با دشمن بستیزند و اموال عمومی را به مصرف صحیح برسانند. (شیخ صدوق، ۱۴۲۵، ۲: ۱۰۱/ شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ۱: ۴۵۳/ مجلسی، ۱۳۷۳، ۶: ۶۰)

### گفتار سوم: راهکارها و روش‌های عاطفی

روش عاطفی، روشی است که امام رضا(ع) در درجه اول به منظور اجرای بهتر فرایند نهادینه‌سازی قانون و تأثیر بیشتر بر انسان‌ها، می‌کوشید محیط اثرگذاری را متناسب با اهداف این امر تغییر دهد. آن حضرت برای بندگان خدا کانون مهر و رأفت و عاطفه بود. در زیارت امام رضا(ع) آمده است: «السلام علی الامام الرئوف؛ سلام بر امام و پیشوای رئوف». ایجاد محیط عاطفی، نفوذ کلام را بیشتر می‌کند و این امام همام، این روش را در کنار دو راهکار پیش گفته، برای نهادینه‌سازی قانون به کار می‌گیرد که شایسته بهره‌برداری در زمان ما نیز هست.

**بند اول: تکریم شخصیت و کرامت انسان‌ها:** امام رضا(ع) شخصیت انسان‌ها را ارج می‌نهد و از هرگونه رفتار و گفتار توهین‌آمیز که موجب بی‌احترامی و کوچک شمردن شخصیت آنها شود، پرهیز می‌کند تا بدین وسیله، بتواند توجه مردم را به خود جلب و رفتارها را اصلاح کند و در جهت قانون‌مندی گام بزرگی بردارد. از دیدگاه امام رضا(ع)، انسان‌ها از کرامت انسانی برخوردارند و خداوند، آنها را بر دیگر آفریده‌ها و کائنات هستی برتری بخشیده است و البته آن حضرت، مصداق عینی فرمایش خویش را استوار بر این کلام قرآن می‌سازد: «ولقد کرّمنا بنی آدم». (اسراء، آیه ۷۰)

نگاه کرامت‌آمیز حضرت به انسان‌ها چنانکه از رفتار و سخن او برمی‌آید، ناشی از این حقیقت است که انسان به عنوان جانشین خداوند در زمین (بقره، آیه ۳۰) از چنان شرافتی برخوردار است که سزاوار هیچ برخورد ناشایست و تحقیرآمیزی نیست و می‌فرماید که جدم رسول‌الله(ص) فرمود: «مبادا فردی از انسان‌ها را کوچک بشمارید که کوچک آنان، نزد خدا بزرگ است». (مالکی، بی‌تا: ۳۱)

نگاه رئوف امام رضا(ع) به مردم، همیشه همراه با تکریم شخصیت و استعدادها، احترام به نیازها و توجه به قلب‌های پاک و زلال آنان بود و اقبال و جذب آنها به امام(ع) نیز نتیجه همین رفتار متین، محبت‌آمیز و حکیمانه بود. انسان وقتی از مؤمنان نیکی دید، به آنان می‌گراید و راه و روش آنها را سرمشق زندگی خود قرار می‌دهد. از این رو کلام امام(ع) بر دل می‌نشیند و این خود، نقطه عزیمت تأثیر روش عاطفی بر مردم در راستای رعایت قانون است.

**بند دوم: محبت و مدارا با همگان:** انسان به طور ذاتی علاقه‌مند است که دیگران به او توجه کنند و نیز به دیگران محبت ورزد. محبت به عنوان یک نیاز اصیل روحی، در نهاد

#### سیاست متعالیه

- سال دوم
- شماره ششم
- پاییز ۹۳

اندیشه حاکمیت  
قانون در پرتو  
آموزه‌های سبک  
زندگی رضوی  
(۸۹ تا ۱۰۶)

انسان نهفته است و توجه به آن از سوی دیگران، به زندگی فرد حلاوت و شیرینی می‌بخشد. از سویی نیز نقش محبت در نهادینه‌سازی حاکمیت قانون، بر کسی پوشیده نیست. مهر و محبت، طبع سرکش آدمی را رام و قلب او را آماده پذیرش حق می‌سازد و زمینه پذیرش حاکمیت قانون را در وی هرچه بیشتر فراهم می‌آورد.

حضرت رضا(ع) در زمینه جوانمردی و مدارا می‌فرماید:

به کسی که اخلاق نیک و روحیه رفیق و مدارا اعطا شده باشد، در حقیقت همه ارزش‌ها و آسایش‌ها به او اعطا شده است و وضع او در دنیا و آخرت نیک خواهد بود و آن کس که از اخلاق نیک و مدارا محروم باشد، این محرومیت، راهی است به سوی هر بدی و بلا؛ مگر آنکه چنین فردی به امداد الهی از بدی‌ها باز داشته شود. (حرانی، ۱۴۰۲: ۳۳۶)

همچنین فرمود: «از خلق‌های نیکوی پیامبران(ع) مدارا با مردم بوده است و مؤمن باید این خلق و خوی پیامبرش را الگو قرار دهد و بدان عمل کند». (شیخ صدوق، ۱۴۲۵، ۲: ۱۵۷)

بنابراین امام رضا(ع) به منظور نهادینه‌سازی حاکمیت قانون، تنها به سفارش مدارا با مردم و نرم‌خویی در روابط اجتماعی بسنده نکرد، بلکه با فرهنگ مدارامحور در سبک زندگی خود، حتی در برخورد با مخالفان و دشمنان، همه آنچه را در بعد نظری به آن معتقد بود، به کار می‌بست و می‌فرمود: «شما انسان‌ها پیوسته در خیر و سعادت خواهید بود، مادامی که یکدیگر را دوست بدارید و در حق دیگران رفیق و مدارا داشته باشید...». (مجلسی، ۱۳۳۳، ۷۲: ۴۶۰)

البته همه تأکیدهای وی در زمینه روابط اجتماعی در سبک زندگی، فقط متوجه کسانی است که در امور دین سهل‌انگاری نمی‌کنند و فقط در حق امام رضا(ع) ظلم و ستمی روا داشته‌اند. در این صورت، امام(ع) به آسانی از آنان گذشته و با آنها به رفیق و مدارا برخورد کرده است. اما در آنجا که حق‌الله پایمال یا قوانین الهی به تعطیلی کشانده و باطل، مسلط گردد، مدارا در نظر وی هیچ معنایی ندارد. همان‌گونه که قرآن کریم نیز در حوزه رعایت قانون الهی، هیچ چشم‌پوشی و سازشی را بر نمی‌تابد و هرگونه پیشنهاد سازش بر سر اصول را مردود می‌داند و می‌فرماید: «فلا تطع المکذبین ودوا لو تدهن فیدهنون». (قلم، آیه ۸ و ۹)

### نتیجه‌گیری

سبک زندگی ناشی از توسعه یافتگی، اصولی دارد که قانون‌گرایی اولین این اصول است. مهم‌ترین وجه توسعه یافتگی در سبک زندگی، رعایت قاعده و قانون در جامعه است. تا هنگامی که فرهنگ گریز از ضابطه، اصلاح نشده، مشتقات مثبت ناشی از توسعه یافتگی

همچون عقلانیت، علم‌گرایی و قانون‌مندی نیز اصلاح نمی‌شود. با این حال دقت در محتوای آموزه‌های دینی و از آن میان فرهنگ رضوی در زمینه معاشرت‌های صحیح در روابط اجتماعی، از این واقعیت پرده برمی‌دارد که نگاه حضرت رضا(ع) به مردم، حاکی از وجود مبانی خاص قانون‌گرایی است که از نوع نگرش خاص وی به جایگاه و ارزش انسان ناشی می‌شود.

در سبک زندگی رضوی(ع) با طرح چهارچوب‌هایی در قالب بسترها و زیرساخت‌های مناسب، همچون خودسازی و رشد شخصیتی و باورمندی به نظارت همیشگی پروردگار، به عنوان نخستین گام، اصل رعایت قانون در الگوی روابط اجتماعی تأکید می‌شود.

امام رضا(ع) در این چهارچوب‌های حکیمانه به این امور بسنده نکرده، بلکه چنان جایگاهی برای انسان قائل است که به عقیده وی آدمی در هنگام برقراری روابط اجتماعی، شایسته است تا اصولی را بر رفتار خویش حاکم نماید؛ همان اصولی که مبنای آن را احترام به حقوق و کرامت انسان‌ها و نیز مروت و مدارا با آنان تشکیل می‌دهد که توجه به آن، به شکل ملموسی از آفت‌های رفتاری در رعایت نکردن قانون می‌کاهد.

پای‌بندی به مقوله حاکمیت قانون در سبک زندگی رضوی به عنوان بخشی از سبک زندگی اسلامی، ضمن بسترسازی پایه‌های مستحکم معاشرت‌ها در روابط اجتماعی، امنیت روحی و روانی را نیز به دنبال خواهد داشت و موجب سعادت و از بین رفتن اختلاف طبقاتی و تحقق عدالت اجتماعی می‌شود.

با توجه به آنچه از بررسی در سبک زندگی امام رضا(ع) برمی‌آید، قانون‌مداری در جامعه و اصلاح سبک زندگی، به طور عمده نیازمند توسعه فرهنگی است و این مهم، از طریق فرایندهای زیر به دست می‌آید: اول اینکه نگرش علمی بر فرهنگ جامعه حاکم شود؛ دوم اینکه اعتقاد به لزوم رعایت حقوق دیگران توسعه یابد و سوم اینکه نظم‌پذیری جمعی به صورت یک باور فرهنگی پذیرفته شود.

## منابع

۱. ابن‌شهر آشوب (۱۴۱۲ق)، مناقب آل ابی طالب، قم، المطبعه العلمیه.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، شریعت در آینه معرفت، قم، نشر اسراء، چاپ سوم.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱)، نسبت دین و دنیا، قم، نشر اسراء، چاپ دوم.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، حق و تکلیف در اسلام، قم، نشر اسراء، چاپ دوم.
۵. حرانی، ابو محمدحسن (۱۴۰۲ق)، تحف العقول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم.
۶. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۹۷ق)، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، چاپ چهارم.

۷. خسروشاهی، قدرت و مصطفی دانش پژوه (۱۳۸۰)، فلسفه حقوق، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی، چاپ پنجم.
۸. شیخ صدوق (۱۴۲۵ق)، عیون اخبار الرضا(ع)، نجف، المکتبه الحیدریه، چاپ اول.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ق)، علل الشرایع، نجف، المکتبه الحیدریه.
۱۰. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۱ق)، اصول کافی، تهران، مکتبه الصدوق.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳)، میزان، قم، بنیاد علمی علامه طباطبایی، چاپ اول.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۴)، شیعه در اسلام، تهران، چاپخانه بزرگ اسلامی، چاپ دوم.
۱۳. عطاردی، عزیزالله (۱۳۹۲ق)، مسند الامام الرضا(ع)، تهران، مکتبه الصدوق، چاپ اول.
۱۴. فضل‌الله، محمدجواد (۱۳۸۵)، تحلیلی از زندگانی امام رضا(ع)، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چاپ یازدهم.
۱۵. قرآن کریم.
۱۶. گلابی، سیاوش (۱۳۷۶)، اصول و مبانی جامعه‌شناسی، تهران، نشر میترا.
۱۷. مالکی، ابی فراس، (بی تا)، تنبیه الخواطر، بی جا، نشر دارالصعب، چاپ اول.
۱۸. مجلسی، ملامحمدباقر (۱۳۷۳)، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
۱۹. محمصانی، صبحی (۱۳۵۸)، فلسفه قانون‌گذاری در اسلام، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۳)، توحید در نظام عقیدتی و ارزشی اسلام، قم، انتشارات شفق، چاپ دوم.
۲۱. معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۲. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم، نشر آل بیت، چاپ ششم.